

# سلام بر تو ای بهار انسانیت

تهیه و تنظیم: دبیرخانه‌ی شورای فرهنگستان اجرایی فرمان حضرت امام (ره)



# امام زمان (عج) در قرآن




## ■ دلالت «آیهی هدایت» بر وجود امام زمان (عج)

در قرآن مجید، آیاتی هست که دلالت بر وجود امام زمان (عج) دارد؛ در یکی از این آیات که به «آیهی هدایت» معروف است خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ (و از جمله کسانی که آفریدیم فرقه‌ای [هستند که] به حق هدایت می‌کنند و به حق اجرای عدالت می‌نمایند). فخر رازی در ذیل آیهی فوق در تفسیرش از جباتی نقل کرده که: «این آیه دلالت دارد بر اینکه هیچ زمانی خالی از کسی که قیام و عمل به حق کرده و مردم را به آن هدایت کند نیست.»

## ■ دلالت «آیهی صادقین» بر وجود امام زمان (عج)

«آیهی صادقین» از آیات دلالت‌کننده بر وجود امام زمان (عج) است که در آن چنین آمده است: «ای



مؤمنین تقوا پیشه کرده و همراه با صادقین باشید». مقصود از صادقین کسانی هستند که صادق علی الاطلاق هستند ولذا بطور مطلق، امر به اطاعت آنها شده است. مصداق صادقین در آیه که از حاملان وحی هستند و از جرس و پلیدی دورند همانا اهل بیت پیامبر (ص) هستند که اول آنها حضرت علی (ع) و آخر آنها حضرت مهدی (عج) می‌باشند.

### ■ دلالت آیهی «اولوا الامر» بر وجود امام زمان (عج)

یکی از آیاتی که دلالت بر وجود امام زمان (عج) دارد «آیهی اولوا الامر» است که می‌فرماید: «اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الامر [اوصیای پیامبر] را». مقصود از «اولی الامر» ائمه‌ی معصومین (ع) هستند؛ زیرا آیه دلالت بر وجوب اطاعت به طور مطلق دارد و این نیازمند عصمت آنان است، حال اگر اولوا الامر معصوم نباشند و در برخی از موارد سهو و نسیان داشته باشند و در عین حال اطاعت آنها به طور مطلق واجب باشد، مستلزم تناقض در وجوب اطاعت است.

### ■ دلالت «آیهی استضعاف» بر ظهور امام زمان (عج)

یکی از آیاتی که دلالت بر ظهور امام زمان (عج) دارد «آیهی استضعاف» است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «اراده‌ی ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنها را پیشوایان و وارثین [روی زمین] قرار دهیم». مصداق کامل آیه، حکومت حضرت مهدی (عج) در عصر ظهور است. امام صادق (ع) فرمود: «همانا آیهی مخصوص به صاحب امری است که در آخرالزمان ظهور کرده و جباران و فرعونیان را نابود خواهد کرد، او شرق و غرب زمین را مالک می‌شود. پس زمین را پر از عدل می‌کند همان گونه که پر از ظلم شده باشد.»

### ■ دلالت آیهی ۷۱ سورهی «اسراء» بر وجود امام زمان (عج)

در آیهی ۷۱ سورهی «اسراء» آمده است که در روز قیامت از هر کسی در مورد اعتقاد به امام بر حق سؤال می‌شود. لذا باید در هر زمانی امام واجب‌الاطاعة وجود داشته باشد، امامی که بدون معرفت و متابعت از او، جلوی رسیدن انسان به فلاح و رستگاری را در قیامت می‌گیرد. لذا پیامبر (ص) فرمود: «هر کس بمیرد در حالی که امامش را نشناخته به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است». بنابراین در این زمان آن امام، حضرت مهدی (عج) است.

### ■ دلالت «آیهی انذار» بر وجود امام زمان (عج)

در قرآن مجید، آیاتی هست که دلالت می‌کند که امام زمان (عج) وجود دارد. در یکی از این آیات که به

«آیهی انذار» معروف است، خداوند متعال خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ». از این آیه استفاده می‌شود که برای هر قومی در هر عصر و زمان، هدایت‌کننده‌ای است و زمین هیچگاه از هادی به حق خالی نمی‌گردد خواه نبی باشد یا غیر نبی و در روایات بیان شده که منذر پیامبر است و هادی امام معصوم می‌باشد بنابراین در زمان ما نیز هادی وجود دارد که به عقیده‌ی شیعه کسی غیر از امام مهدی (عج) نیست.

### ■ دلالت سوره‌ی «قدر» بر وجود امام زمان (عج)

می‌دانیم که ماه رمضان و لیلة‌القدر تا روز قیامت استمرار دارد؛ از طرفی بر اساس سوره‌ی «قدر» ملائکه و روح در هر شب قدر بر زمین فرود می‌آیند، بنابراین بعد از رسول خدا(ص) در هر زمان باید امامی کامل و معصوم وجود داشته باشد تا محل نزول ملائکه و روح گردد. لذا پیامبر(ص) فرمودند: «به لیلة‌القدر ایمان آورید؛ زیرا برای علی بن ابی طالب و یازده فرزند بعد از اوست.»

### ■ قیام حضرت مهدی (عج) از منظر آیات قرآن

در چند آیه از قرآن درباره قیام حضرت مهدی (عج) بحث شده است. در یکی از آیات آمده: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، فاسق‌اند.»

### ■ دلالت «آیات شهادت» بر وجود امام زمان (عج)

در قرآن مجید، آیاتی هست که دلالت می‌کند امام زمان (عج) وجود دارد. از جمله این آیات «آیات شهادت» است که به صراحت می‌گوید خداوند در میان هر امتی، کسی را به عنوان «شاهد» قرار داده تا در روز قیامت بر آنها احتجاج کند. از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمان و برای هر امتی خداوند افرادی معصوم از خطا و اشتباه قرار داده است تا در روز قیامت به اعمال آنان گواهی دهند و کسی که قرار است شاهد بر اعمال امت باشد نباید در شهادتش اشتباه کند و نیز باید احاطه علمی بر همه‌ی اعمال امت داشته باشد. آری اینان کسانی هستند که در امر هدایت بشر حجت خدا در روی زمین‌اند.



### ■ دلالت «آیهی نذیر» بر وجود امام زمان (عج)

در قرآن آیاتی وجود دارد که دلالت بر وجود امام زمان (عج) می‌کند. در یکی از این آیات که به «آیهی نذیر» معروف است خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»؛ (و هر امتی در گذشته اندازکننده‌ای داشته است). از آیهی فوق به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمانی باید در میان مردم حجت خدا و هادی علی الاطلاق وجود داشته باشد.

### ■ دلالت آیهی ۳۰ سوره «ملک»، بر ظهور حضرت مهدی (ع)

آیا آیه (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ) بر ظهور حضرت مهدی (عج) دلالت دارد؟ ظاهر آیه درباره‌ی «آب جاری» است که مایه‌ی حیات است، ولی باطن آیه، مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان‌گستر اوست، که آن نیز مایه‌ی حیات جامعه انسانی است. طبق روایات این آیه درباره‌ی حضرت مهدی (ع) است که قیام به عدل الهی می‌کند. آیه مبارکه بیان می‌دارد: اگر امام شما پنهان گردد و ندانید کجاست؛ چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد؟

### ■ وارثان حکومت جهانی، در آخرالزمان از منظر منابع دینی

به تصریح آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره «انبیاء» در نهایت، این «صالحان» هستند که حکومت زمین را در دست می‌گیرند. با توجه اطلاق کلمه «ارض»، این حکمرانی تمام کره زمین و سراسر جهان را شامل می‌شود و از آنجا که این معنی در گذشته تحقق نیافته، باید در آینده در انتظار آن بود و این همان چیزی است که به عنوان «حکومت جهانی مهدی (عج)» از آن یاد می‌کنیم.



# نیمه‌ی شعبان از دیدگاه معصومین (ع)



نیمه‌ی شعبان در اذهان شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام، به عنوان روز میلاد نجات‌بخش موعود معنا و مفهوم می‌یابد. روز میلاد بزرگ مردی که انسانیت، ظهور او را به انتظار نشسته و عدالت برای پای بوس قدمش لحظه‌شماری می‌کند. نیمه‌ی شعبان اگرچه شرافتش را وامدار مولود خجسته‌ای است که در این روز زمین را با قدوم خویش متبرک ساخته است، اما همه‌ی عظمت آن در این خلاصه نشده و در تقویم عبادی اهل ایمان نیز از جایگاه و مرتبه‌ی والایی برخوردار است.

در روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده فضیلت‌های بسیاری برای عبادت و راز نیاز در شب و روز خجسته‌ی نیمه‌ی شعبان بر شمرده شده است و این خود تمثیل زیبایی است از این موضوع که برای رسیدن به صبح وصال موعود باید شب وصل با خدا را پشت سر گذاشت و تا زمانی که منتظر، عمر خویش را در طریق کسب صلاح طی نکند نمی‌تواند شاهد ظهور مصلح موعود باشد.





با توجه به اهمیت فراوانی که در روایات به شب نیمه‌ی شعبان داده شده و حتی آن را هم پایه شب قدر شمرده‌اند، در این مجال برخی از روایت‌هایی را که در بیان مقام و منزلت این شب روحانی وارد شده‌اند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ■ پیامبر گرامی اسلام (ص) در شب نیمه‌ی شعبان

از پیامبر گرامی اسلام (ص) در زمینه‌ی موضوع محل بحث روایت‌های بسیاری نقل شده که یکی از آنها به این شرح است: «شب نیمه‌ی شعبان در خواب بودم که جبرئیل به بالین من آمد و گفت: ای محمد! چگونه در این شب خوابیده‌ای؟ پرسیدم: ای جبرئیل! مگر امشب چه شبی است؟ گفت: شب نیمه‌ی شعبان است. برخیز ای محمد! پس مرا از جایم بلند کرد و به سوی بقیع برد، در آن حال گفت: سرت را بلند کن! امشب درهای آسمان گشوده می‌شوند، درهای رحمت باز می‌گردند و همه‌ی درهای خشنودی، آمرزش، بخشش، بازگشت، روزی، نیکی و بخشایش نیز گشوده می‌شوند. خداوند در این شب به تعداد موها و پشم‌های چارپایان - بندگانش را از آتش جهنم - آزاد می‌کند. امشب خداوند زمان‌های مرگ را ثبت و روزی‌های یک سال را تقسیم می‌کند و همه‌ی آنچه را که در طول سال واقع می‌شود نازل می‌سازد. ای محمد! هر کس امشب را با منزه داشتن خداوند (تسبیح)، ذکر یگانگی او (تهلیل)، یاد بزرگی او (تکبیر)، راز و نیاز با او (دعا)، نماز، خواندن قرآن، نمازهای مستحبی (تطوع) و آمرزش خواهی (استغفار) صبح کند، بهشت جایگاه و منزل او خواهد بود و خداوند همه‌ی آنچه را که پیش از این انجام داده و یا بعد از این انجام می‌دهد، خواهد بخشید...»

یکی از همسران پیامبر اکرم (ص) حالات ایشان را در شب نیمه‌ی شعبان چنین بیان می‌کند: «در یکی از شب‌ها که پیامبر خدا (ص) در نزد من بود ناگهان متوجه شدم که ایشان بستر خود را ترک کرده است، به جستجوی ایشان پرداختم، به ناگاه دیدم که حضرت مانند جامه‌ای که بر زمین افتاده باشد به سجده رفته و چنین راز و نیاز می‌کند: «صیحت الیک فقیرا خائفا مستجیرا فلا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی ولا تجهد بلائی واغفرلی!»؛ به سوی تو آمدم در حالی که تهیدست، ترسان و پناه جویم، پس نام مرا برمگردان، جسم مرا تغییر مده، گرفتاریم را افزون مساز و از من در گذر. آنگاه سر خود را بلند کرد و بار دیگر به سجده رفت و در آن حال شنیدم که می‌فرمود: «سجد لک سوادى و خیالی و امن بک فوادى هذه یدای هما جنیت علی نفسی یا عظیم ترجی لکل عظیم اغفرلی ذنبی العظیم فانه لا یغفر العظیم الا العظیم»؛ سرپای وجودم برای تو سجده کرده و قلبم به تو ایمان آورده است؛ این دو دست من با همه‌ی جنایتی که بر خود روا داشته‌ام، پس ای بزرگی که برای هر کار بزرگی امیدها به سوی تو است؛ از گناهان بزرگ من در گذر، چرا که از گناهان بزرگ در نمی‌گذرد مگر پروردگار بزرگ. بعد از ادای این کلمات سر خود را بلند کرده و برای سومین بار به سجده رفت و این جملات را بر زبان جاری ساخت: «اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک انت کما

اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون»؛ از خشم تو به خشنودیت پناه می‌برم، از کيفر تو به بخششات پناهنده می‌شوم و از تو به سوی خودت پناه می‌جویم. تو همان گونه‌ای که خود توصیف کرده‌ای و بالاتر از آنی که گویندگان می‌گویند.

لحظاتی دیگر سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت در حالی که می‌فرمود: «اللهم انی اعوذ بنور وجهک الذی اشرفت له السموات والارض و قشعت به الظلمات و صلح به امرالاولین والآخرین ان یحل علی غضبک او ینزل علی سخطک اعوذبک من زوال نعمتک و فجأة نعمتک و تحویل عافیتک و جمیع سخطک لک العتبی فیما استطعت و لاحول ولا قوة الا بک»؛ خدایا به نور وجه تو که آسمانها و زمین از آن روشن شده، تاریکی‌ها با آن از بین رفته و کار پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح شده است پناه می‌برم، از این که به خشم تو گرفتار شوم و یا دشمنی تو بر من نازل شود. پناه می‌برم به تو از زوال نعمت، نزول ناگهانی عذابت، دگرگونی سلامتات و همه‌ی آنچه که خشم تو را در پی دارد. خشنودی نسبت به آنچه من در توان دارم از آن تو است و هیچ حرکت و نیرویی نیست مگر به سبب تو.

چون این حال را از پیامبر دیدم و او را رها کردم و شتابان به طرف خانه حرکت کردم. نفس نفس زنان به خانه رسیدم. وقتی پیامبر (ص) به خانه برگشتند و حال مرا دیدند گفتند: چه شده است که این چنین به نفس نفس افتاده‌ای؟ گفتم: من ای رسول خدا به دنبال شما آمده بودم، پس فرمود: آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟! امشب شب نیمه‌ی شعبان است، در این شب اعمال ثبت می‌گردند، روزی‌ها قسمت می‌شوند، زمانهای مرگ نوشته می‌شوند و خداوند تعالی همه را می‌بخشد مگر آن که به خدا شرک ورزیده یا به قمار نشسته است. یا قطع رحم کرده یا برخوردن شراب مداومت ورزیده یا برانجام گناه اصرار ورزیده است.»

## ■ امام علی (ع) و شب نیمه‌ی شعبان

کمیل بن زیاد از یاران امام علی (ع) چنین روایت می‌کند که: در مسجد بصره در نزد مولایم امیرالمؤمنین نشسته بودم و گروهی از یاران آن حضرت نیز حضور داشتند، در این میان یکی از ایشان پرسید: معنای این سخن خداوند که: «فیها یفرق کل امر حکیم»؛ در آن شب هر امری با حکمت معین و ممتاز می‌گردد، چیست؟ حضرت فرمودند: «قسم به کسی که جان علی در دست اوست همه‌ی امور نیک و بدی که بر بندگان جاری می‌شود، از شب نیمه‌ی شعبان تا پایان سال، در این شب تقسیم می‌شود. هیچ بنده‌ای نیست که این شب را احياء دارد و در آن دعای خضر بخواند، مگر آن که دعای او اجابت شود.» پس از آن که امام از ما جدا شد، شبانه به منزلش رفتم. امام پرسید: چه شده است ای کمیل؟ گفتم ای امیرمؤمنان آمده‌ام تا دعای خضر را به من بیاموزی، فرمود: بنشین ای کمیل! هنگامی که این دعا را حفظ کردی خدا را در هر شب جمعه، یا در هر ماه یک شب، یا یک بار در سال یا حداقل یک بار در طول عمرت، با آن بخوان، که خدا تو را یاری و کفایت می‌کند





و تو را روزی می‌دهد، و از آمرزش او برخوردار می‌شوی، ای کمیل! به خاطر زمان طولانی که تو با ما همراه بوده‌ای بر ما لازم است که درخواست تو را به بهترین شکل پاسخ دهیم، آنگاه دعا را چنین انشاء فرمود... « شایان ذکر است که این دعا همان دعایی است که امروزه آن را با نام «دعای کمیل» می‌شناسیم. امیرمؤمنان علی(ع) در روایتی دیگر در فضیلت شب نیمه شعبان چنین می‌گوید: «در شگفتم از کسی که چهار شب از سال را به بیهودگی بگذراند: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و اولین شب از ماه رجب.»

### ■ امام صادق(ع) و شب نیمه‌ی شعبان

از امام صادق(ع) روایت شده که پدر بزرگوارشان در پاسخ کسی که از فضیلت شب نیمه‌ی شعبان از ایشان پرسیده بود فرمودند: «این شب برترین شب‌ها بعد از شب قدر است، خداوند در این شب فضلش را بر بندگان جاری می‌سازد و از منت خویش گناهان آنان را می‌بخشد، پس تلاش کنید که در این شب به خدا نزدیک شوید. همانا این شب، شبی است که خداوند به وجود خود سوگند یاد کرده که در آن درخواست‌کننده‌ای را، مادام که درخواست گناه نداشته باشد، از درگاه خود نراند. این شب، شبی است که خداوند آن را برای ما خاندان قرار داده است، همچنان که شب قدر را برای پیامبر ما، قرار داده است. پس بر دعا و ثنای بر خداوند تعالی بکوشید، که هر کس در این شب صد مرتبه خداوند را تسبیح گوید، صد مرتبه حمدش را بر زبان جاری سازد، صد مرتبه زبان به تکبیرش گشاید و صد مرتبه ذکر یگانگی (لااله الاالله) او را به زبان آورد، خداوند از سر فضل و احسانی که بر بندگانش دارد، همه‌ی گناهانی را که او انجام داده بیمارزد و درخواست‌های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد، چه درخواست‌هایی که برخداوند اظهار کرده و چه درخواست‌هایی که اظهار نکرده و خداوند با علم خود بر آن‌ها واقف است و...»

### ■ سخن آخر

در این مجال فرصت پرداختن به همه‌ی روایت‌هایی که در فضیلت شب و روز نیمه شعبان وارد شده‌اند نیست و گمان می‌کنیم که روایت‌های یاد شده برای ارائه تصویری روشن از جایگاه برجسته‌ی شب نیمه شعبان در میان دیگر شب‌های سال کافی باشند. اما چنان که در ابتدای سخن نیز گفته شد، شرافت این شب خجسته، علاوه بر همه‌ی آنچه که بیان شد، به اعتبار مولود مبارکی است که در این شب قدم به عرصه خاک نهاده است. وجود مقدسی که سال‌ها پیش از تولدش مزدهی میلاد او به مسلمانان داده شده بود و شاید همه‌ی عظمت این شب و تکریم و بزرگداشتی که در کلمات معصومان علیهم السلام، از آن شده است به خاطر وجود همین مولود مبارک باشد. چنان که بزرگانی چون سید بن طاووس به این موضوع اشاره کرده و بر همگان لازم دانسته‌اند که در این شب خدای خویش را به سبب منت بزرگی که با میلاد امام عصر(عج) بر آن‌ها نهاده سپاس گویند و تا آنجا که در توان دارند شکر این نعمت الهی را به جای آورند.



## مهدویت در اندیشه‌ی شهید مطهری

همه‌ی گروه‌های اسلامی بر این قول متفق هستند که در آخرالزمان، مردی ظهور می‌کند که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند و دولت حق را برپا می‌سازد، دولتی که تمام جهان را فرا می‌گیرد. این دیدگاه به استناد آیات کریمه‌ی قرآن از جمله: ۱۰۵ سوره‌ی انبیا، ۵ قصص، ۳۲ و ۳۳ توبه و... است. اهل سنت با شیعیان اتفاق نظر دارند بر این که مهدی (عج) از خلفای دوازده‌گانه‌ای است که رسول اکرم (ص) به آن‌ها در احادیث گوناگون بشارت داده است. از آنجا که حقایق وحی و وجود رهبران الهی در بین بشر، منطبق با نیازهای طبیعی و فطری است، چنین اعتقادی نیز ریشه در نهاد انسان دارد و پاسخی به نیاز آرمانی بشریت است.

استاد شهید مرتضی مطهری، در چند اثر ارزشمند خود به بررسی مسئله مهدویت و انتظار پرداخته‌اند. یکی از تعبیرات ارزشمند ایشان، در وصف جایگاه حضرت حجت (عج) در زمین، تعبیر «صاحب» است. در کتاب گفتارهای معنوی، ضمن بیان حدیثی از رسول اکرم (ص) پیرامون امدادهای الهی نسبت به بشریت به



واسطه حضرت مهدی (عج)، چنین نتیجه می‌گیرند: خدا هرگز دنیا را بی‌صاحب نگذاشته است، و بی‌صاحب هم نخواهد گذاشت.

## ■ مطهری و فلسفه‌ی انتظار

«انتظار» از مفاهیم دو پهلو و لغزنده‌ای همانند: تقدیر، توکل، صبر و... است، که در طول تاریخ اندیشه‌ی اسلامی، برداشت‌های متفاوتی از آن شده است. هر بار کسی به تناسب فهم و درک خود، دستی بر این واژه کشیده و به این درک خشوند گشته، حق را همان پنداشته است و سپس به تعبیر زیبای قرآن: «کل حزب بما لیدهم فرحون؛ هر فرقه‌ای بدان چه نزد آنهاست دل خوش شدند.»

استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «معلوم است که بدعت در دین خاتم هم امکان‌پذیر است چنان که ما هم که شیعه هستیم و اعتقاد داریم به وجود مقدس حضرت حجت‌بن‌الحسن، می‌گوییم ایشان که می‌آیند «یأتی بدین جدید». تفسیرش این است که آن قدر تغییرات و اضافات در اسلام پیدا شده است که وقتی او می‌آید و حقیقت دین جدش را می‌گوید به نظر مردم می‌رسد که این دین غیر از دینی است که داشته‌اند و حال این اسلام حقیقی همانی است که آن حضرت می‌آورد.»

درباره‌ی مفهوم انتظار هم، متناسب با برداشت‌های متفاوت، این اندیشه منشأ رشد و پویایی یا رکورد و عقب ماندگی دانسته است. استاد مطهری خصوصیات دو گونه انتظار (مثبت) و (منفی) را این گونه بیان می‌کنند: انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود و انتظاری که گناه است؛ ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده و نوعی (اباحی‌گری) باید محسوب شود. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود (عج) است و این دو نوع برداشت به نوبه‌ی خود، از دو نوع بینش درباره‌ی تحولات در انقلاب‌های تاریخی ناشی می‌شود.

در نگاه انتظار ویرانگر و منفی - که متأسفانه در جامعه‌ی ما هم طرفدار دارد - هر اصلاحی در جامعه محکوم است چرا که باید ظلم و تباهی رواج داشته، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان گردد، تا انفجاری رخ دهد و انتظار به سرآید. بنابراین هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه‌ی روشن است. تا در صحنه‌ی اجتماع نقطه‌ی روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود، برعکس، هر گناه و فساد، و هر ظلم، تبعیض و حق‌کشی و هر پلیدی‌ای به حکم این که مقدمه‌ی صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند، رواست، زیرا «الغایات تبرّر المبادی» هدف‌ها، وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه‌ی فساد است. این جاست که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی.»

در چنین اندیشه‌ای، امر به معروف و نهی از منکر دیگر جایی ندارد. واجبی است که باید ترک شود و حدّ الهی است که باید در تاریخ بایگانی شود، چرا که اجرایش، فریضه‌ای (ظهور مصلح) را به تأخیر می‌اندازد، پس وجوبش در ترک است. دیگر عاشورایی آفریده نمی‌شود، اصلاً نباید عاشورایی اندیشید. اندیشه‌ی عاشورایی محکوم است. در این نگاه قصه‌ی کربلا افسانه‌ای می‌گردد که تنها ذکرش ثواب دارد و بس (همان که سال‌ها گذشتگان شاهدش بودند) حتی شورآفرینی عاشورا، عشق‌بازی قهرمانانش، در پای انتظار قربانی می‌شود. در این اندیشه، تمام تکالیف فردی و اجتماعی از انسان ساقط می‌شود و داستان همان انگلیسی معروف. در اندیشه‌ی آرمان‌گرایانه‌ی استاد مطهری، انتظار در معنای اولش بزرگ‌ترین محرک اجتماعی است که انسان را برای حاکمیت ارزش‌ها و محو ضدّ ارزش‌ها تشویق می‌کند، برای همین انتظار بدین معنا را با فضیلت‌ترین عبادات دانسته‌اند: «افضل الأعمال إنتظار الفرج»

شهید مطهری با استناد به آیات ۵ سوره‌ی قصص، ۱۰۵ سوره‌ی انبیا و... چنین نتیجه‌گیری می‌کند: از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود (عج) حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه‌ی اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود، سهمیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. بنابراین هر مبارزه‌ی حق‌گرایانه‌ای، حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه‌ی جهانی و هر پیروزی، جلوه‌ای از پیروزی آن انقلاب بزرگ است. فراموشمان نشود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران محصول تئوری انتظار سازنده و عنایات آن امام منتظر بود. در این جا ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

سایر ادیان نیز به انتظار معتقدند با این تفاوت که در آن دیدگاه‌ها، سخن از یک موجود نجات‌بخشی است که در آینده می‌آید و به امور سامان می‌دهد ولی در اندیشه‌ی تشیع، سخن از انسان شریفی است که او هم همراه با سایر مردم انتظار می‌کشد؛ منتظری است که با ما زندگی می‌کند، دردها و غصه‌ها را احساس می‌کند و مقام ولایت تکوینی در بین مردم دارد.

انتظار فرج، صرف نظر از اسلامی بودن اندیشه‌ای است که چون نوعی خوش بینی نسبت به آینده‌ی بشر (و طرد بدبینی) است، ارزشمند و شور و تحرک‌آفرین، تحرک‌بخش، امیددهنده و تعهد‌آور و... است. به ویژه در این عصر، که بشر سرگردان و گرفتار (روزمه‌گی) زندگی ماشینی، بیش از هر زمان نیاز به مأمّن و ملجأ اعتقادی دارد تا خود را از اندیشه‌های نیهیلیستی برهاند و روان تشنه‌ی خود را سیراب نماید.

## ■ مهدویت و آینده‌ی تاریخ

در اندیشه‌ی تربیت‌شدگان مکتب قرآن، تاریخ، سیر صعودی و تکاملی دارد. هر اصلاحی که امروز به دست بشر



صورت گیرد، زمینه‌ای خواهد بود برای یک اصلاح‌نهایی و حکومت جهانی. هر چند این اندیشه با بعضی اندیشه‌های ماتریالیستی و غیر ماتریالیستی به ظاهر شباهت دارد، ولی در اصول اساسی کاملاً با آن دیدگاه‌ها متفاوت است؛ نخست این که در تئوری مهدویت اسلامی سخن از آینده تاریخ، بیان حاکمیت اراده الهی است نه صرفاً طبیعت مادی تاریخ (به استناد آیات کریمه قرآن) دوم آن که در این دیدگاه، این انسان‌های صالح هستند که همواره زمینه و شرایط تحقق آن جامعه‌ی واحد جهانی را فراهم می‌کنند و سوم این که، ارزش هر مبارزه‌ای به حق بودن آن است نه نبودن آن. در این اندیشه، هر مبارزه‌ای تنها برای احقاق حق فردی و اجتماعی مشروعیت و قداست پیدا می‌کند. استاد مطهری در بیان نقش حضرت حجت (عج) در تکامل تاریخ و بشریت می‌فرمایند: «یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می‌شود به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها که از جمله آثاری که در آن هست آشتی انسان و طبیعت است و آن این است که زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و همه‌ی این‌ها خود تکامل تاریخ است.»

ایشان در جای دیگر مشخصات حکومت حضرت مهدی (عج) را این گونه بیان می‌نمایند: «ما مسلمان‌ها بالاخص شیعیان می‌گوییم دوره‌ی سعادت بشری آن عصری است که دوره‌ی عدل کامل است یعنی عصر ظهور حضرت حجت (عج)؛ آن دوره که اولین مشخصه‌اش این است که دوره‌ی حکومت عقل است یعنی دوره‌ای که در آن، علم اسیر و برده نیست. امیرالمؤمنین (ع) تعبیری درباره‌ی آن عصر دارد که می‌فرمایند: «در آن عصر مردم صبحگاهان و شامگاهان جام حکمت و معرفت می‌نوشند.»

استاد به بررسی نگاه بدبینانه و اضطراب‌آور مادی مسلک‌ها، در تحلیل آینده‌ی تاریخ می‌پردازند و مهم‌ترین علت این بدبینی را نداشتن اهداف والای الهی و معنوی می‌دانند، در مکتبی که رهایی، بیهودگی و عبث‌گرایی، آرمان‌نهایی‌اش، باشد، نباید چیزی جز این بدبینی شوم را نسبت به آینده‌ی بشریت انتظار داشت. ویل دورانت به خوبی به این معضل اعتراف نموده است: «ما از نظر ماشین‌توانگر شده‌ایم و از نظر مقاصد فقیر.»

ایشان نگاه حکیمانه‌ی پرورش‌یافتگان مکتب الهی را این گونه توصیف می‌کنند: «خیر، عمر جهان به پایان نرسیده است، هنوز اول کار است، دولت مقرون به عدل، عقل، حکمت، خیر، سعادت، سلامت، امنیت، رفاه، آسایش و وحدت عمومی و جهانی، در انتظار بشریت است، دولتی که در آن دولت، حکومت با صالحان است و انتخاب اصلح به معنی واقعی در آن صورت خواهد گرفت.»

اعتقاد به مهدویت در اسلام نه تنها خوش‌بینی نسبت به پایان کار جهان و آینده‌ی بشریت را تضمین می‌کند بلکه نویدی است بر بلوغ فکر و اندیشه‌ی بشریت؛ وقتی قرآن در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی انبیاء می‌گوید: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون» صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد. اولاً امیدواری به آینده است که دنیا در آینده نابود نمی‌شود. دوم آن دوره، دوره‌ی عقل و عدالت است. شما می‌بینید یک فرد سه دوره‌ی کلی دارد...

# جان و جانان

امام زمان (عج)

از نگاه

مقام معظم رهبری




امروز وجود مقدس حضرت حجت - ارواحنا فداه - در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است.

... برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولی خدا، امام بر حق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه‌ی بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است. مهدی موعود(عج)، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون شعاع رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند، توفیق بیشتری می‌یابند؛ زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان می‌شود.

... یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان





«بقیه‌الله فی ارضه»؛ به عنوان «حجه‌الله علی عباده»؛ به عنوان «صاحب زمان» و «ولی مطلق الهی در روی زمین» وجود دارد. برکات وجود او، و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد... این خورشید معنوی و الهی بازمانده اهل بیت علیهم السلام است.

ولی عصر - صلوات الله علیه - میراث بر همه پیامبران الهی است. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجا همه خلائق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده، اما حضور دارد. امام زمان (عج) امانت و گوهر درخشنده عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجه و مراقب این ملت است.

## ■ نقش مهدویت

### ■ امید

اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدس مهدی موعود - ارواحنا فداه - امید را در دلها زنده می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، نا امید نمی‌شود؛ چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی، وجود دارد... سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.

اعتقاد به قضیه‌ی مهدی (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن، بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در یک دریای طوفانی فرض کنید. اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند؛ که اطراف آنها تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، کسانی که در این کشتی هستند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصور می‌شود که اینها برای آن که حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه، چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و اقی وجود ندارد. یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، این است که در این مجموعه کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آن که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آن که چند ساعتی بیشتر زنده بماند.

طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی آنها، ساحلی وجود دارد. حالا اگر دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن جا برسند، معلوم نیست. اما قطعاً ساحلی که در دسترس آن‌ا است، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ اینها تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده بشود؛ از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت‌دار استفاده خواهند کرد، و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

«امید»، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال‌های خود را جمع

می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می‌شود، انسان تلاش و حرکت کند؛ پیش برود؛ مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنیدی ملتی در زیر سلطه ظالمانه قدرت مسلطی، قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است، تسلیم بشود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام می‌دهد؛ اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتما وجود دارد، اینها چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، او را برطرف خواهند کرد. بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی طوفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران، قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسان‌های مظلوم بوده است. امید، موجب می‌شود که انسان، مبارزه کند و راه را باز نماید و پیش برود. وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید؛ یعنی، این وضعیتی که امروز شما را رنج می‌دهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان، حیات و نشاط پیدا می‌کند. این، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات الله علیه و ارواحنا فداه - است. این نقش اعتقاد به مهدی موعود می‌باشد. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سرازش قرار داده بودند، عبور داده است.

### ■ مجاهدت

ایمان و اعتقاد به امام زمان (عج)، مانع از تسلیم شدن است و ملت‌های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند، از حضور او امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.

عقیده به امام زمان (عج) نمی‌گذارد مردم تسلیم بشوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دل‌ها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می‌شود. چند خصوصیت در این عقیده «مهدویت» هست که این خصوصیات برای هر ملتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، «امید» است. گاهی اوقات دست‌های قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است، با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش بکنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم.

### ■ مصلح کل

آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فرو خورده انسان‌ها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید، تار و پود ظلم و ستم را - که انسان‌های شریر در همه تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد.



همه‌ی ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه‌گری خواهد کرد.

همه‌ی فرق اسلامی، معتقدند که مهدی (عج) از نسل طیب و طاهر پیغمبر، عالم را مملو از عدل و داد و برای اقامه دین خدا و حق الهی قیام خواهد کرد.

غیر مسلمان‌ها هم به نحوی، معتقد به یک آینده مطلوب و درخشانی برای بشریت هستند که با همین مسأله مهدویت، تطبیق می‌کند.

همه‌ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود را، از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و اولیای دین رسیده است، قبول دارند.

مسأله‌ی مهدی موعود، متفق‌الیه میان همه‌ی مسلمانان است و شیعه و سنی به وجود منجی و مصلحی با آن خصوصیات معترف‌اند که خواهد آمد و سراسر گیتی را از عدل و داد پر خواهد کرد.

این عقیده که همه‌ی مسلمان‌ها هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرق، حرف‌های دیگری دارند؛ اما اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر (ص) چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «بملا الله به الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا»، بین مسلمان‌ها متواتر است، همه این را قبول دارند. این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشا است.

### ■ شیعه و مهدویت

فرقی که ما شیعه‌ها، با دیگران و بقیه‌ی فرق اسلامی و غیر اسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می‌شناسیم؛ اسمش را می‌دانیم؛ تاریخ ولادتش را می‌دانیم؛ پدر و مادر عزیزش را می‌شناسیم و قضایایش را می‌دانیم؛ ولی دیگران اینها را نمی‌دانند. آنها عقیده پیدا نکردند، یا باخبر نشدند و نمی‌دانند؛ ولی ما می‌دانیم، تفاوت این جا است. به همین دلیل است که توسلات شیعه، زنده‌تر، پرشورتر، با معناتر و با جهت‌تر است.

خصوصیت اعتقاد شیعه در این مسأله، این است که یک موضوع کلی را با همه خصوصیاتش، با معرفی کامل شخص می‌شناسد، در ابهام نیست.

ما، ولی و سید خود را، سرور و سالار عالمیان - را که امام ما - است می‌شناسیم. پدر، مادر، تاریخ تولد و قضایای ولادت مبارک او را می‌دانیم. کسانی این قضایا را با خبرهای صادق و موثق نقل کرده‌اند، همه‌ی اینها برای ما روشن است؛ لذا ما می‌دانیم که عشق ما، دل ما و ایمان ما، متوجه و متعلق به کیست.

این حقیقت، در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره‌ی درخشان و این روح پر تپش و پر امید را ندارد. این به خاطر آن است که ما، به برکت روایات متواتره خودمان، شخص مهدی موعود (عج) را با خصوصیاتش می‌شناسیم.

## ■ عید الله الاکبر

روز ولادت مهدی موعود - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - حقیقتاً روز عید همه‌ی انسان‌های پاک و آزاده عالم است. فقط کسانی در این روز، ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم و یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند و الا کدام انسان آزاد‌ای است که از گسترش عدالت، از بر افراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.

تفاوت عید ولادت «حضرت بقیه‌الله» با بقیه‌ی اعیاد اسلامی این است که اعیاد بزرگ، همه از گذشته حکایت می‌کنند؛ اما عید ولادت حضرت بقیه‌الله به آینده نوید می‌دهد. برای همین است که دل‌های مؤمنان، به این روز بزرگ و این ولادت عظیم، وابسته است.

روز نیمه‌ی شعبان، روز امید و ایمان به آینده، روز مجاهدان پاکباز و صادق و روز نگاه به آینده روشن و تلاش برای آن است.

روز ولادت حضرت مهدی موعود - ارواحنا فداه - یک عید حقیقی، برای همه افراد بشر و آن کسانی که ستمی کشیدند؛ رنجی بردند؛ دلی سوزاندند؛ اشکی ریختند و انتظاری کشیدند و کسانی که با مشاهده ناملایمات، در طول حیات خود و در هر نقطه‌ای از عالم - و حتی در نقطه‌ای از تاریخ - مصیبتی تحمل کرده‌اند؛ است. همه‌ی آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده‌اند.

این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی اخذه و وکده» میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه» این وعده‌ی خدا است که تحقق آن را ضمانت کرده است. همه‌ی انسان‌های طول تاریخ، نسبت به این پدیده عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ از اول تا امروز و از امروز تا لحظه‌ی طلوع آن خورشید جهان تاب، با ظلم و بدی و پلیدی، آمیخته بوده است.

همه‌ی کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند - چه آنهایی که به خود آنان ظلم شده است و نج برده‌اند و چه کسانی که به ستم کشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می‌آید.

... روز ولادت، برای همه‌ی بشر و تاریخ - حتی برای گذشتگان - عید است. کسانی که در دوران تاریک فرعون‌ها، مُرده‌ها، ابوجهل‌ها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند و مردند و رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند، امروز (نیمه شعبان) برای آنها هم عید است.

اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی از تفضلاتی که پاره‌ای از ارواح برخوردارند، بهره‌مند باشند؛ یقیناً آنها هم مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیه‌ی ایام و اعیاد تفاوت دارد. واقعا اگر ما امروز را «عید الله الاکبر» بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.



## عطر حضور

امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجا همه‌ی خلائق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ اما حضور دارد. مگر می‌شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش، حس می‌کند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز می‌کنند، دعای «ندبه» را با توجه می‌خوانند، زیارت «آل یاسین» را زمزمه می‌کنند و می‌نالند؛ می‌فهمند چه می‌گویند. آنها حضور این بزرگوار را حس می‌کنند، ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمی‌زند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دل‌ها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر می‌شود حضور نداشته باشد؟

شیعه‌ی خوب، کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط می‌بخشد. یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان «بقیة الله فی ارضه»، به عنوان «حجة الله علی عباده»، به عنوان «صاحب زمان» و «ولی مطلق الهی» در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او، انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز وجود مقدس حضرت حجت - ارواحنا فداه - در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است.

چشم‌های ناقابل و تیره‌ی ما، آن چهره ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان است. با دل‌ها مرتبط و با روح‌ها و باطن‌ها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده، در میان همه‌ی بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است. او را می‌بیند و با او مرتبط است.

این بزرگوار، در فضای ذهنی و معنوی جامعه‌ی ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت، قلبا در ارتباط هستند. این ارتباط، به معنای حقیقی کلمه، دو جانبه است و در حالات برجسته شور و محبت و احساس و عواطفی که ملت ایران، نسبت به این بزرگوار دارند، این ارتباط طرفینی است.

امام معصوم و بازمانده عترت پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام، در طول این زمان‌های اخیر، در میان جوامع بشری بوده است؛ امروز هم در میان ما است. ارتباط قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج)، امید و انتظار را به طور دائم در دل آنها زنده نگه می‌دارد و این خود، یکی از پربرکت‌ترین حالات انسانی است. اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می‌دهند و به آن حضرت توسل می‌جویند و توجه می‌کنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیله پیشرفت انسان را - روحا و معنا - فراهم می‌کند. این، یک میدان وسیعی است. هر کسی در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد.

## وظایف منتظران




در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، انتظار نه صرفاً یک حالت روانی، بلکه از مقوله‌ی عمل شمرده شده است، پس اگر انتظار، یک عمل است، منتظر هم باید عامل باشد. در روایات، برای انتظار فرج، ثواب‌های زیادی، بیان شده است.

«المنتظر لامرنا کاملت شحط بدمه فی سبیل الله» و «افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج» به گونه‌ای از این فضیلت‌ها اشاره دارد. با دقت در این روایت و روایات مشابه روشن می‌شود که در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، انتظار نه صرفاً یک حالت روانی، بلکه از مقوله‌ی عمل شمرده شده است، پس اگر انتظار، یک عمل است، منتظر هم باید عامل باشد.

اگر منتظران، با وظایف خود آشنا نباشند و به آن عمل نکنند، تاریخ تکرار خواهد شد و همان‌گونه که در زمان امام حسین (ع)، شیعیان فراوانی وجود داشتند، لیکن از میان آنها، تنها ۷۲ نفر به وظیفه‌ی خود عمل کردند





و لذا امام حسین (ع) تنها ماند و آنچه می‌بایست اتفاق بیفتد، اتفاق افتاد، در زمان غیبت هم، چنانچه شیعیان به وظایف خود عمل نکنند، امام زمانشان تنها خواهد ماند و ظهورش به تأخیر خواهد افتاد. در اینجا پاره‌ای از وظایف شیعه در دوران غیبت را بر شمرده و به توضیح برخی از آنها می‌پردازیم: وظایف منتظران در دو مقوله فردی و اجتماعی قابل بررسی است:

## ■ وظایف فردی:

### ■ معرفتِ امام:

امام کاظم (ع): افضل العبادۃ بعد المعرفة انتظارالفرج.  
امام هشتم در معرفی امام مهدی (عج) می‌فرماید: یکون اولی الناس بالناس من انفسهم و اشفق علیهم من ابائهم و امهاتهم.

تذکر: مشکل عمده‌ی جامعه ما، بسط سطحی مهدویت‌گرایی است. باید اذعان داشت که مهدویت و انتظار، نه از حیث عقیدتی، نه از حیث اندیشه و تفکر، و نه از حیث سلوک و رفتار، عمق چندانی در بین مردم و خصوصاً جوانان ما ندارد و در همین راستا، ضررهای فراوانی متوجه نظام ما شده است. مهم‌ترین ریشه‌ی این مشکل، برخورد سنتی مردم با مهدویت و انتظار است، متأسفانه مردم ما عادت کرده‌اند، آنچه را که آسان‌تر است و برای تأمین زندگی مادی و عادی آنان، سودمندتر به نظر می‌رسد، برگزینند و گرایش کمتری به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور داشته باشند. مثلاً نیمه‌ی شعبان را بهانه‌ای برای طاق نصرت بستن و تزیین معابر و برگزاری جشن‌ها قرار می‌دهند و مداحی‌ها را بر سخنرانی‌ها و دریافت پیام‌های مهدویت و انتظار ترجیح می‌دهند. البته باید توجه داشت که بستن طاق نصرت و چراغانی‌ها هرچه بیشتر و بهتر باید انجام شود، اما باید رفتار ما به گونه‌ای باشد که علاوه بر استفاده از نور ظاهری آنها، از نور معرفت صاحب آن‌ها بهره‌مند گردیم.

اکثر مردم، زیارت جمکران و نماز صاحب‌الزمان (عج) را تنها ابزاری برای درخواست حوائج از آن بزرگوار می‌شمارند و به جای آنکه امام را برای امام بخوانند، امام را برای خود می‌خواهند و از اینکه شناختی نسبت به مقام و مرام آن عزیز سفر کرده ندارند، کمبودی حس نمی‌کنند، گویا هیچ وظیفه‌ای در ایام غیبت امام زمان (عج) بر عهده‌ی افراد گذشته نشده است.

### ■ محبت به امام:

قل لا أسألكم علیه أجرألاً المودة فی القربى  
امام زمان علیه السلام: فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا  
برخی از جلوه‌های محبت عبارتند از:

- یاد حضرت
- صدقه دادن برای سلامتی حضرت
- تقدیم خواست او بر خواست خود
- دعا برای سلامتی و ظهور حضرت

منصور بزرگ می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: ای آقای من، چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می‌شنوم؟ فرمود: نگو سلمان فارسی، بگو سلمان محمدی(ص) آیا می‌دانی چرا بسیار از او یاد می‌کنم؟ عرض کردم نه. فرمود: برای سه صفت: ۱- مقدم داشتن خواسته امیرمؤمنان(ع) بر خواسته‌ی خودش ۲- دوست داشتن فقرا ۳- دوست داشتن علم و علماء.

- تلاش در کسب رضایت او: اعمال و رفتار و گفتار منتظر بایستی بر وفق رضای محبوب باشد. منتظر باید ببینند، امام چه می‌پسندد. آیا از کار او راضی است یا نه؟

به قول امام راحل(ره): توجه داشته باشید که در کارهایتان جوری نباشد که وقتی بر امام زمان(عج) عرضه شد، خدای نخواست، آزرده بشوند و پیش ملائکه‌الله یک قدری سرافکنده بشوند که، این‌ها شیعه‌های من هستند. این‌ها دوستان من هستند و بر خلاف مقاصد خدا عمل کردند... باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم.

- تجدید بیعت
- اظهار ناراحتی از فراق
- تأسی

برخی از صفات حضرت که در آن‌ها باید به ایشان تأسی نمود عبارتند از

- تقوا
- عبادت

امام کاظم(ع): یتعاد مع سمرته صفره من سهر اللیل بأبی من لیله رعی النجوم ساجداً و راکعاً - مهدی(عج) بر اثر تهجد و شب‌زنده‌داری رنگش به زردی متمایل است، پدرم فدای کسی باد که شبها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را مراعات می‌کند.

- سخت کوشی و جهاد
- زهد
- عدالت
- سخاوت
- موضع‌گیری در برابر بدعت‌ها
- نصیحت و خیرخواهی
- صبر و بردباری

## ■ وظایف اجتماعی

این وظایف در دو بخش قابل بررسی است:

### الف - وظایف مردمی

### ب - وظایف حاکمیت

الف - وظایف مردمی عبارتند از:

- ۱- دفاع و حمایت از حرکت‌هایی که در جهت اهداف حضرت باشد مثل انقلاب اسلامی ایران



۲- تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت از راه‌های:

● قرار دادن موقوفات ● برقراری مجالس بزرگداشت (جشن‌ها، دعای ندبه، ...)

● شرکت در مجالس بزرگداشت

**ب- وظایف نهادهای حکومتی:**

۱- بسط فرهنگ مهدویت، از طریق راه کارهای مناسب در:

● جهان (مسلمین و غیر مسلمین) ● ایران

۲- تئوریزه کردن فرهنگ مهدویت: از آنجایی که امروزه تئوری‌های مختلفی در مورد پایان تاریخ مطرح است و تنور بحث «جهانی شدن» داغ می‌باشد، بایستی حکومت جهانی امام زمان (عج) را با عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای پایان تاریخ، به جهانیان معرفی کرد.

۳- ارائه الگوهای مناسب از حکومت دینی به جهانیان، تا اینکه در پرتو آن، جامعه جهانی به حکومت مهدوی علاقه‌مند شده و مهیای آن گردد.

۴- فراهم ساختن زمینه‌های مردمی برای ظهور حضرت

۵- شناسایی اهداف حکومت جهانی (مانند: عدالت، بسط معنویت، امنیت، رفاه، ...) و تلاش در به‌دست آوردن راه کارهای مناسب برای نزدیک شدن به آن اهداف.

۶- نیروسازی: کارگری منتظر واقعی است که به این نیت تلاش و کار می‌کند که جامعه‌ای با پایه‌های قوی اقتصادی و در خور حکومت امام مهدی (عج) بسازد. معلم و استادی منتظر واقعی است که به این نیت درس بدهد که شاگردانی تربیت کند تا بازوان پرتوئی در حکومت جهانی باشند. دانش آموزی، منتظر واقعی است که درس بخواند تا در عصر ظهور بتواند باری از دوش حضرت بردارد. پدر و مادری، منتظر واقعی است که فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کند که در خدمت اهداف حضرت باشند. دانشجویی منتظر واقعی است که فرا گرفتن تخصص خود را برای حکومت جهانی و تحمل مسئولیتی در آن جایگاه، قرار دهد. روحانی‌ای منتظر واقعی است که در مواضع خود، مردم را تشنه و مهیای برقراری حکومت جهانی نماید. چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تباہ خود آشنا می‌شدند، عصر ظلمت اینگونه طولانی نمی‌شد. همه‌ی مردم، بالاخص کسانی که دارای وظیفه‌ی بیان این‌گونه مسائل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده‌اند، باید سخت غمگین و شرمسار باشند. چرا ما به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌کنیم؟

پاسخ این سؤال آن است که ما به عصر غیبت خو گرفته‌ایم و به تیرگی‌ها و تاریکی‌ها عادت نموده‌ایم. اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی، مانند مسئله فطرت و طبیعت انسان را به سوی آن جذب می‌کند، به طوری که گویی اراده و اختیار را از او گرفته است. این قدرت را خدا به انسان داده تا با خو گرفتن به خوبی‌ها بدون زحمت به سوی آن‌ها جذب شوند و از بدی‌ها کناره گیرند.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِّيعَ الْأَنْبَاءِ وَنُصْرَةَ الْأَيَّامِ  
سَلَامٌ بِرُتْوَايَ بِهَارِ خَلَائِقِ وَخَرْمِي رُوزْكَارِ

تدارجیابی فرهنگستان امام  
مجلس شورای اسلامی

